



ارزیابی ارتباط بین فقر و سرمایه گذاری مستقیم خارجی

امید امانی مله^۱، ام لیلا حیدری^۲، اعظم آماده^۳

۱. کارشناس ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه پیام نور بابل و کارشناس بازرگانی شرکت پاک خزر
۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه پیام نور بابل و کارشناس مالی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۳. کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشگاه فردوسی مشهد

omidamanimale@yahoo.com

چکیده

ارزیابی رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فقر در مسیر کلان در کشورهای درحال توسعه از موضوعات مهمی است که توسعه اقتصادی یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. کمک سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای میزبان ممکن است به شکل های مختلفی از جمله انتقال فن آوری، توسعه سرمایه انسانی، افزایش رقابت در بازارهای داخلی و ... صورت گیرد. این مقاله مجموعه ای از داده ها و یک مدل اقتصادی برای تجزیه و تحلیل پل دینای جریان های سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فقر را ایجاد کرده و به کمک نرم افزار آماری و اقتصادی STATA اثبات نمود که سرمایه های مستقیم خارجی، فقر را در کشورهای درحال توسعه انتخاب شده کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فقر، تجزیه و تحلیل پل دینا

طبقه بندی JEL: C33, I3, E22

۱. مقدمه

هدف این تحقیق بررسی سرمایه گذاری خارجی می باشد و اینکه آیا فقر را در کشورهای درحال توسعه کاهش می دهد یا نه. مقاله های بسیاری در ارتباط با این موضوع به چاپ رسیده اند. برخی از این مقاله ها به کشورهای درحال توسعه مربوط می شود. اما در زمینه ارتباط مستقیم بین FDI و فقر تحقیق بسیار اندکی صورت گرفته و معمولاً موضوع فقر در کشورهای درحال توسعه مورد مطالعه قرار می گیرد. تصور می رود FDI از این جهت که برای ترقی جنبه های متعدد توسعه اقتصادی یک استان یا کشور سرمایه لازم را فراهم می کند، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور داشته باشد. FDI به دلیل ماهیت قابل محاسبه ای که دارد، بسیاری از محققین را به خود جذب کرده که عملاً به بررسی رابطه آن در بین سایر شاخص های اقتصادی بپردازند. لذا در این پژوهش سعی بر این بوده تا تاثیر FDI بر فقر با رویکردی نوین مورد مطالعه قرار گیرد.

^۱: سرمایه گذاری مستقیم خارجی (foreign direct investment)



۲. پیشینه تحقیق

مطالعات خارجی

به گفته کلین و آرون^۱ و دیگران در سال ۲۰۰۱، بیان نمودند که FDI یکی از اجزای جدایی ناپذیر موفقیت در رشد اقتصادی یک کشور در حال توسعه می‌باشد. آنها در مطالعات خود ادعا می‌کنند که دلیل اینکه رشد اقتصادی یک عامل کلیدی در کاهش فقر می‌باشد، FDI مهم‌ترین دارایی برای کاهش فقر به‌شمار می‌آید. براساس این مطالعات، FDI می‌تواند به کیفیت رشد بهبود بخشیده، و جهت دستیابی به هدف کاهش فقر کمک کند. آنها نشان می‌دهند که برای اجرای موفقیت‌آمیز FDI و کسب نتایج مثبت در کاهش فقر، پیش شرط‌هایی وجود دارد. یکی از پیش شرط‌هایی که آنها اظهار می‌دارند فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی است. پیش شرط دیگر جلوگیری از هر گونه حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و ارائه بستری برابر و رقابتی می‌باشد. آخرین پیش شرطی که از نظر آنها مهم می‌باشد این است که دولت سرمایه‌گذاری‌های خارجی را معقولانه و بدون هیچگونه مقررات سنگین و خودسرانه‌ای تدوین کند. آنها بر این باورند که گرچه FDI با ترویج رشد به کاهش فقر کمک می‌کند اما این امر نه در کاهش جنبه‌های دیگر فقر مؤثر است و نه با نابرابری درآمد همخوانی دارد.

تودارو و اسمیت^۲ در سال ۲۰۰۳ به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین FDI و اقتصاد سریلانکا پرداختند. روش این مقاله شامل محاسبه میانگین‌ها و درصدها و همچنین برآورد یک مدل اقتصادسنجی با استفاده از داده‌های سری زمانی در سریلانکا بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۲ می‌باشد. با استفاده از تابع تولید پایه و آزمون دیکی-فولر در این روند، آنها به برآورد یک مدل اقتصادسنجی از تولید ناخالص داخلی (GDP) پرداختند. در مدل آنها، GDP یک متغیر وابسته است که از نظر متغیرهای مستقل یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی تجارت شرح داده شده است.

بلونینگن^۳ در سال ۲۰۰۵ مروری نمود به ادبیات تجربی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که می‌توانست به کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه کمک کند. او رابطه بین FDI و کاهش فقر را به دو بخش تفکیک می‌کند: یک بخش رابطه بین FDI و رشد است و حال آنکه بخش دیگر رابطه بین رشد و کاهش فقر می‌باشد. او اثرات احتمالی FDI بر اقتصاد میزان را به دو دسته اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم طبقه‌بندی می‌کند و به منظور ارزیابی روشن تأثیر FDI بر توسعه اجتماعی و کاهش فقر، بر این تفکیک پافشاری می‌کند. او اشتغال و درآمد را که قابل اندازه‌گیری بوده و توسط FDI ایجاد شده‌اند، به‌عنوان جزئی از کمک‌های غیرمستقیم دسته‌بندی می‌کند. بلونینگن می‌گوید که اندازه‌گیری این کمک‌های غیرمستقیم به دلیل ماهیت کیفی آنها بسیار مشکل است. با توجه به تحقیقات او، FDI به ایجاد فرصت‌های شغلی غیرمستقیم مورد نیاز کمک می‌کند. مزیت دیگر FDI مشارکت بیشتر زنان در نیروی کار می‌باشد که مستقیماً به افزایش درآمد خانواده کمک می‌کند اما در مقایسه با نیروی کار مردان برای شغل‌های نظیر آن دستمزد کمتری دارد. یکی دیگر از مزایایی که او بر آن تأکید دارد انتقال فن‌آوری به کشور میزبان می‌باشد که به گفته خودش نتیجه طبیعی فعالیت‌های چندملیتی از قبیل صدور مجوز، عقد قرارداد، و غیره می‌باشد.

نادیا دویتچ^۴ در سال ۲۰۱۵ به بررسی تأثیر FDI بر چرخه کسب و کار و افزایش رفاه پرداخت که به‌صورت تجربی و با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی بر روی داده‌های پانل (GMM) در سراسر کشورهای شرق آسیایی صورت گرفت. او سهم FDI در کاهش فقر را در شرق آسیا و هر گونه تفاوت احتمالی

^۱ Kelin and Aron

^۲ Todaro and Smith

^۳ Blonigen

^۴ Nadia Doytch



دیگری را بر عملکرد FDI برای کاهش شاخص توسعه انسانی بین مناطق شرق آسیا مورد بررسی قرار داد. او استفاده از داده‌های ناخالص متغیرهایی مانند GDP و FDI را نمی‌پذیرد بلکه استفاده از نسبت‌هایی نظیر جریان‌های ورودی خالص FDI بر تشکیل سرمایه ناخالص را انتخاب می‌کند. بدین ترتیب هدف او کسب نتایج خاص‌تر و کامل‌تر می‌باشد. دویچ همچنین بجای استفاده از GDP که صرفاً متغیری است برای کسب نتایج خاص‌تری در رفاه، از شاخص توسعه انسانی استفاده کرد و به این نتیجه رسیدند که فقر با سرمایه گذاری رابطه ای معکوس دارد.

مطالعات داخلی

مطالعات داخلی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و فقر از جامعیت مهمی در کشور برخوردار نبوده و کمتر در این زمینه پژوهش انجام گرفته است. فلذا با مروری گذرا شمه ای از خوانش های این مورد را باز می یابیم.

دکتر علی حسن زاده در کمیته اقتصاد و تلفیق مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۸۷ مجری طرح سیاست های مناسب به منظور جلوگیری از گسترش فقر در رابطه با عضویت در سازمان تجارت جهانی شد که در پژوهشش اعلام نمود: افزایش در جریان FDI موجب افزایش در اشتغال کل و دستمزدهای حقیقی کارگران در کشورهای دریافت کننده و بهبود درآمد افراد خواهد شد.

در سال ۸۸ لیلیا پیر حیاتی، حسین راغفر و محمد حسن فطرس تاثیر تجارت خارجی بر شاخص های فقر در ایران را مورد بررسی قرار دادند که نتیجه برآورد مدل آنها نشان می داد در ایران بین تجارت و فقر رابطه ای مثبت وجود دارد و با افزایش تجارت در سالهای ۶۳ تا ۸۶ فقر هم افزایش یافته است.

رضا اکبریان و نغمه زارع حقیقی پژوهشی در سال ۸۹ به نام بررسی تاثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر در ایران انجام دادند که در آن مطالعه از الگوهای کوتاه مدت و بلند مدت خود بازگشت با وقفه های توزیعی استفاده کرده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که در بلند مدت باز بودن اقتصاد نسبت به تجارت، از طریق اثر بر توزیع درآمد به طور مستقیم منجر به افزایش درآمد متوسط فقرا شده است، لذا باز بودن اقتصاد از دو طریق مستقیم و غیر مستقیم میتواند بر کاهش فقر تاثیر گذار باشد. اکبریان و زارع حقیقی به این نتیجه رسیدند که باز بودن اقتصاد نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثر مستقیم بر درآمد متوسط فقرا در ایران نداشته و تنها می تواند از طریق اثر بر رشد اقتصادی بر فقر تاثیر گذار باشد.

۳. ارزیابی رابطه بین FDI و فقر

تحلیل داده‌ها و مقایسه‌هایی که در این بخش آمده است، به بررسی رابطه بین FDI و فقر می‌پردازد.

هنگام بررسی رابطه بین FDI و فقر، در سال این سؤال مطرح می‌شود که آیا FDI بر رشد تأثیر می‌گذارد؟ با اینکه این سؤال ابتدایی است اما برای ارزیابی آنچه در توزیع درآمد و رفاه می‌گذرد ضروری می‌باشد.

FDI در کشور میزبان ممکن است بر کاهش فقر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی داشته باشد. تأثیر غیرمستقیم FDI بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی صورت می‌گیرد که با توجه به افزایش در GDP، رشد فن آوری و بهره‌وری، و همچنین محیط اقتصادی، منجر به بهتر شدن استانداردهای زندگی می‌شود. با در نظر گرفتن رابطه بین FDI و فقر، متوجه خواهیم شد که رشد اشتغال و کاهش تعداد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به دلیل بهبود نیروی کار، افزایش در تقاضا برای کار، تأثیر مستقیمی بر فقر دارند (بالتاجی، ۱۳۹۱). اثرات مستقیم و غیرمستقیم FDI بر کاهش فقر در همه شرایط یکسان نبوده و بسته به عوامل زیادی قابل تغییر می‌باشد. این عوامل عبارتند از: مقدار و کیفیت و نوع سرمایه‌گذاری، شرایط بخشی که در آن سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد، پیشرفت‌های تکنولوژیک، مالیات پرداخت شده توسط FDI و نحوه صرف آنها، کارایی سرمایه‌گذاری و دستمزد. علاوه بر این، چون این عوامل تحت تأثیر



شرایط اقتصادی و سیاسی قرار دارند، اقتصاد و سیاست یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده تأثیر FDI بر فقر می‌باشند. بنابراین اگر کشوری بخواهد نتیجه بهتری از کاهش فقر از طریق FDI بدست آورد، شرایط اقتصادی و سیاسی برای چنین سرمایه‌گذاری‌هایی باید جذاب باشد. FDI جهت کاهش فقر ناشی از بیکاری کمک‌های مستقیم و مهمی ارائه می‌کند. تأثیر FDI بر فقر از این جهت، از طریق تأثیر آن بر اشتغال اعمال می‌شود. واضح است که FDI به کاهش فقر مستقیماً کمک می‌کند؛ مثلاً از طریق قابل محاسبه بودن اشتغال و تولید درآمد، اما تأثیر آن در مجموع در این شرایط بسیار ناچیز است و کمک غیرمستقیم نتایج مهمتری به دنبال دارد. فقر کاهش دهنده FDI سرمایه‌بر از فقر کاهش دهنده FDI کاربر کمتر است. از آنجایی که اشتغال و استخدام نیروی کار ماهر در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها اندک است، FDI سرمایه‌بر به اندازه سرمایه‌گذاری کاربر در کاهش فقر ناشی از بیکاری مؤثر نیست؛ هرچند رشد اشتغال در کاهش فقر در آن سطحی که کاهش فقر توسط درآمد حاصل از دستمزد تعیین می‌شود نقش مثبتی دارد. اگر سرمایه‌گذاران به افرادی که استخدام کرده‌اند دستمزدهایی بالاتر از خط فقر پرداخت کنند، اثر کاهش دهنده این سرمایه‌گذاری‌ها بالاست؛ اما اگر دستمزدی پایین‌تر از خط فقر پرداخت کنند، اثر کاهش دهنده فقر ناچیز خواهد بود. به عبارت دیگر، دستمزدهای زیر خط فقر، افراد را به سوی خط فقر سوق می‌دهد اما به آنها در نجات از فقر کمک نمی‌کند.

با توجه به چشم انداز موسسه کارنگی^۱ جهان در سال ۲۰۵۰ نیز به شدت در نظر انسان متفاوت خواهد بود. رشد سریع در اقتصادهای در حال ظهور صدها میلیون نفر را از فقر مطلق نجات خواهد داد و تنها بخش کوچکی از جمعیت سران G20 را باقی خواهد گذاشت. انتظار می‌رود تا نرخ فقر در اندونزی، برزیل، مکزیک، و هندوستان به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

داده‌ها، مدل‌سازی و نتایج

در این تحقیق، داده‌های پانل نامتوازن از ۲۵ کشور در یک دوره ۲۵ ساله از سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲ را در نظر گرفته شده است. با تحلیل‌های پنل دیتا، اثرات مختلف روی FDI در سراسر کشورها و در طول زمان، قابل بررسی شده و امکان کنترل ناهمگونی فراهم خواهد شد. تجزیه و تحلیل پنل دیتا تنوع بیشتر، آزادی بیشتر، بازده بیشتر و هم راستایی کمتری در بین متغیرهای پیش‌بینی کننده نیز فراهم می‌کند (بالتاجی ۱۳۹۱).

متغیرهایی بکار رفته در این تحقیق عبارتند از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم، نرخ بهره، فقر، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، رشد درآمد سرانه، اشتغال. جهت از بین بردن جهت‌گیری‌های خاص ارزیابی‌ها بدلیل تفاوت در اندازه اقتصادهای مد نظر، برای نسبت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از اشتغال استفاده می‌کنم.

شکل تابعی مدل اینگونه است:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 INF + \beta_2 GDP + \beta_3 POP + \beta_4 IR + \beta_5 POVE + \beta_6 INF_{RAT} + \beta_7 PCI + \beta_8 EMP + \varepsilon_i$$

که در آن،

Y = سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، INF = نرخ تورم، GDP = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، POP = نرخ رشد جمعیت، IR = نرخ بهره، $Pove$ = فقر، Inf_rate = نرخ تورم، PIC = نرخ رشد درآمد سرانه، EMP = اشتغال، ε_i = عبارت خطا.



با توجه به آزمون هاسمن و از آنجایی که تفاوت در کشورها ممکن است بر متغیر وابسته (FDI) تأثیر بگذارد، بنابراین از یک مدل اثرات تصادفی استفاده می‌کنیم:

$$Y_{it} + \beta X_{it} + \alpha + U_{it} + \varepsilon_{it}$$

که U_{it} در آن خطای بین کشورها و ε_{it} خطای درون کشورهاست. برای این مدل منطقی است که خطای یک کشور به متغیرهای توضیحی آن ارتباطی نداشته باشد.

جدول ۱: برآورد مدل تأثیرات تصادفی ($\rho = 0.741$, $\sigma\varepsilon = 34681.088$, $\sigma u = 58622.122$)

FDI	COEF	STD.ERR	Z	P>Z	95% CONF.INTERVAL	
INF	216.36	256.423	0.843	0.41	-۲۸۰.۳۶	۷۲۹.۴۵
IR	-534.90	213.580	-2.504	0.011	-۹۵۳.۴۹۸	-۱۱۲.۲۹
GDP	-1099.6	1453.45	-0.756	0.453	-۳۹۷۰.۶۵	۱۶۹۹.۹۸
POP	-48131.23	7129.235	-6.751	0.00	-۶۲۱۰۸.۲۵	-۳۴۱۵۵.۵۶
PCI	112.76	1553.85	0.0725	0.935	-۲۵۳۸.۶۳	۲۷۶۰.۲۱۸
POVE	-2207.55	330.25	-6.684	0.00	-۲۸۶۱.۸۳	-۱۵۵۳.۰۰۴
INFL-RATE	-243.11	282.578	-0.860	0.382	-۷۸۹.۹۰	۳۱۹.۴۸۹
EMP	-62.98	718.451	-0.0876	0.932	-۱۴۷۰.۳۵	۱۳۴۴.۵۲۱
-CONS	180276.4	49715.1	3.626	0.00	۸۲۸۳۶.۲۱	۲۶۷۹۲۱.۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱ نتایج میانگین تأثیر متغیرهای پیش‌بینی روی متغیر نتیجه (FDI) وقتی که متغیرهای پیش‌بینی کننده در طول زمان و بین کشورها به اندازه یک واحد تغییر می‌کنند را نشان می‌دهد. نتایج آزمون مقادیر $P (p < 0.05)$ نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ بهره، نرخ رشد جمعیت و فقر تأثیر قابل توجهی بر FDI دارند. در مدل بکار رفته بدیهی است که رابطه‌ای منفی بین FDI و فقر وجود دارد و این مدل از اینکه FDI فقر را در کشورها در حال توسعه انتخاب شده کاهش می‌دهد، به وضوح پشتیبانی می‌کند. نتایج‌ها باید به این نکته اقرار داشت که سرمایه گذاری خارجی می‌تواند تأثیر مهمی بر کاهش فقر و افزایش شکوفایی اقتصادی بگذارد.

منابع:

گجراتی، دامودار (۱۳۷۸): مبانی اقتصاد سنجی، جلد ۱ و ۲، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران

محمودی، وحید (۱۳۸۶): اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، انتشارات سمت

بالتاجی، بدی اچ (۱۳۹۱): اقتصاد سنجی، ترجمه رضا طالبلو و شعله باقری، نشر نی



اکبریان، رضا و نغمه زارع حقیقی (۱۳۹۰)؛ «بررسی تاثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر: مورد ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۸، شماره ۲، ص ۲۵-۵۰

پیرحیاتی، لیلیا، حسین راغفر و محمدحسن میرفطرس (۱۳۸۸)؛ «بررسی تاثیر تجارت خارجی بر شاخص های فقر در ایران»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، شماره ۴

حسن زاده، علی (۱۳۸۷)؛ «سیاست های مناسب به منظور جلوگیری از گسترش فقر در رابطه با عضویت در سازمان تجارت جهانی»، دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری، کمیته اخلاق و اقتصاد

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سالهای مختلف

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «نماگرهای اقتصادی»، اداره بررسی های اقتصادی، سالهای مختلف

Doytch, Nadia, (2015) Sectoral FDI cycles in South and East Asia , Journal of Asian Economics . p 24 - 33

Aaron, C, Klein, M.. and Hadjimichael, B. (2001) Foreign Direct Investment and Poverty Reduction. World Bank Policy Research Working Paper No. 2613, Washington DC.

Todaro, Michael P. and Smith, Stephen C,(2003) , Economic Development. Pearson Education Limited

Blonigen, B. A. (2005) , A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants, NBER Working Paper . p 99 - 112 .

World Bank (2012). World Bank's World Development Indicators. Dataset retrieved from WorldDevelopment Indicator website: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>